



نویسنده مهرا ن هاجیر این (Mehran Haghiriyan)

منبع و تاریخ نشر: پرنسیپل ستیت گرفت «2023-06-14».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

در حالی که خاورمیانه عصر جدید ژئوپلیتیکی را
در بر می گیرد، ایالات متحده عقب مانده است
**US lags as the Middle East embraces a
new geopolitical era**

همانطور که منطقه به سمت نظم چندقطبی پیش می رود، واشنگتن باید
همکاری و توسعه اقتصادی بیشتری را تقویت کند

*As the region moves on toward a more multipolar order,
Washington should foster greater cooperation and
economic development.*



انتو جی. بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در 7 ژوئن 2023 با ولیعهد و
نخست وزیر سعودی، محمد بن سلمان، در جده، عربستان سعودی دیدار کرد.
[عکس وزارت امور خارجه توسط زینا سنبتا]

در بحبوحه بازگشایی نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران و عربستان پس از یک وقفه هفت ساله، که نمادی از نزدیکی رسمی آنها و تغییر پویایی ژئوپلیتیکی در خلیج فارس است، **آنتونی بلینکن**، وزیر امور خارجه آمریکا هفته گذشته بایک دستورکار منسوخ وارد ریاض شد.

شکست و اشنگتن در انطباق با واقعیت‌های جدید منطقه‌ای، این کشور را منزوی کرده است، زیرا سیاست‌های این کشور «آمریکا» دیگر با شرکای خود در منطقه همخوانی ندارد. در حالی که ایالات متحده به سرمایه‌گذاری عمیق خود در منطقه برای آینده قابل پیش بینی ادامه می‌دهد، سیاست‌های این کشور به مانع اصلی برای تعاملات دیپلماتیک و همچنین توسعه اقتصادی و ادغام در خاورمیانه گسترده‌تر تبدیل شده است.

منطقه خلیج فارس در سال 2019 یک دوره تشدید تنش‌های نظامی را تجربه کرد. عربستان سعودی با حملات مستقیم هواپیماهای بدون سرنشین و موشکی به تا سیسات نفتی خود مواجه شد، در حالی که امارات متحده عربی با تهدیدات مشابهی در بنادر خود مواجه شد. این حوادث بر خطرات تنش‌های طولانی مدت با ایران تاکید کرد و بی میلی ایالات متحده را برای به کارگیری نیروی نظامی در پاسخ به این گونه تحریکات آشکار کرد. در واقع، دولت **دونالد ترامپ** نه تنها به بحران کمک کرد، بلکه به وضوح نشان داد که تمایلی به حل آن ندارد.

اندکی قبل از مراسم تحلیف **جو بایدن** در ژانویه 2021، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای پایان دادن به محاصره بیش از سه ساله قطر نشستی را در **العلا**، عربستان سعودی تشکیل دادند. در زمان برگزاری این نشست، عربستان سعودی و امارات از قبل مذاکراتی را با ایران برای کاهش تنش آغاز کرده بودند. امروز، به استثنای بحرین، همه پنج عضو دیگر شورای همکاری خلیج فارس اختلافات خود را بین خود و با تهران اصلاح کرده‌اند. حتی کشورهایی که به طور سنتی با ایران دشمن هستند، مانند مصر و اردن، در حال بررسی فرصت‌هایی برای نزدیکی هستند تا سیاست‌های خود را با تحولات ژئوپلیتیکی در حال تحول در خاورمیانه همسو کنند.

اهداف مشابهی را دنبال کرد.

تحت حمایت و مشارکت دولت **بایدن**، **اسرائیل** نشستی را در نقب تشکیل داد و وزرای خارجه امارات، بحرین، مصر و مراکش را گرد هم آورد. **یایر لاپید**، وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، گفت که هدف از این اجلاس ایجاد یک ساختار امنیتی جدید است که در درجه اول بر ترساندن و بازدارندگی «دشمنان مشترک ما، در درجه اول ایران و دستیارانش» متمرکز است.

با این حال، شرکت کنندگان عرب در این جلسات دیدگاه متفاوتی دارند قابل ذکر است، امارات عادی سازی روابط خود با اسرائیل را در درجه اول در چارچوب اقتصادی قرار داده است و از تایید علنی هرگونه ابتکار امنیتی یا نظامی علیه ایران خودداری کرده است.

سال گذشته، در حالی که **بایدن** به جده سفر کرد، پیشنهادی برای روابط جدید ایالات متحده و عربستان سعودی تحت یک "معامله استراتژیک" و همچنین ایجاد یک مشارکت مشترک دفاع هوایی و موشکی بین کشورهای عربی، ایالات متحده و ایالات متحده ارائه شد. اسرائیل، موسوم به «ائتلاف دفاع هوایی خاورمیانه» با هدف مقابله و منزوی کردن ایران با این حال، این پیشنهادات متوقف شده است و حتی ابتکار عمل دریایی به رهبری ایالات متحده در خلیج فارس اکنون در حال فروپاشی است.

عامل اسرائیل بر چشم انداز روابط نزدیکتر بین کشورهای عربی و ایران چشمگیر بوده است. تعامل دیپلماتیک امارات با ایران در پس زمینه توافق نامه ابراهیم صورت گرفت. در حالی که این پتانسیل می تواند روابط بین تهران و ابوظبی را تیره کند، برقراری روابط بین امارات و اسرائیل مانع تعاملات دیپلماتیک بین تهران و ابوظبی نشد. اگرچه مقامات ایرانی از اما راتی ها به دلیل تعامل با **تل آویو** انتقاد کردند، اما تحولات روابط دوجانبه ایران و امارات نشان می دهد که چگونه مسائل ایدئولوژیک در محاسبات ژئواستراتژیک تقسیم بندی می شوند.

در سال 2017، من استدلال کردم که کشورهای عرب خلیج فارس باید بین راه هایی که ایران و اسرائیل پیشنهاد می کنند، یکی را انتخاب کنند. در آن زمان، ایران از دیپلماسی منطقه ای دفاع می کرد که منجر به تلاش های صلح **هرمز** شد، در حالی که اسرائیل به دنبال اتحاد اعراب و اسرائیل برای منزوی کردن و مقابله با ایران بود. امروز، تحولات دیپلماتیک پیش بینی نشده در منطقه نشان می دهد که خود کشورهای عربی اکنون مسیری را برای آینده ترسیم می کنند، راهی که ایران و اسرائیل باید بیاموزند که با همسایگان عرب خود و با یکدیگر همزیستی کنند.

تنش زدایی به طور غیرقابل انکاری منجر به گسترش رقابت و رقابت بین ایران و عربستان سعودی، نه تنها در خاورمیانه، بلکه در بافت وسیعتر **اوراسیا** خواهد شد. **ریاض** نمی خواهد چین و روسیه، دو قدرت جهانی، صرفاً با تهران همسو باشند.

به طور مشابه، ایران تمایلی به فرار گرفتن در رتبه دوم پس از پکن و مسکو ندارد. روند رو به رشد پیوستن ایران، عربستان سعودی و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به بلوک های اقتصادی و امنیتی غیرعربی نیز در همین چارچوب قرار می گیرد. سازمان همکاری شانگهای، گروه بریکس و سایر گروه هایی از این دست در حال حاضر به عنوان نهادهای مشورتی و اقتصادی محور عمل می کنند که ساختاری برای کار علیه هیچ کشور یا گروه خاصی از کشورها ندارند. روشن شده است که هیچ کشوری در

منطقه به جز ایران حاضر به مشارکت در ترکیب منطقه ای که قدرت جهانی دیگری را از خود دور کند، نیست. این تغییرات نشانه نظم چند قطبی جدیدی است که در آن بازیگران منطقه ای توسعه اقتصادی خود را برای تضمین بقا و شکوفایی در دوران پس از نفت در اولویت قرار می دهند

غیبت ایالات متحده در این آخرین تحولات منطقه ای فرصت‌هایی را برای دیگر بازیگران جهانی فراهم کرده است تا نفوذ خود را نشان دهند و همکاری‌های چندجانبه را تقویت کنند. در حالی که ایالات متحده با چشم انداز ژئوپلیتیکی در حال تحول در خلیج فارس سازگار نیست، چین و اتحادیه اروپا از فرصت استفاده کرده اند تا تعاملات منطقه ای خود را افزایش دهند. تلاش‌های چین به امضای تنش‌زدایی ایران و عربستان انجامید و این کشور قصد دارد در اواخر سال جاری اجلاس سراسری منطقه‌ای را در پکن برگزار کند تا رویکرد چندجانبه خود را بیشتر پیش ببرد.

در همین حال، اتحادیه اروپا در ماه می 2022 بیانیه مشترک خود را در مورد "مشارکت استراتژیک با خلیج فارس" منتشر کرد و در آوریل 2023، **لوییجی دی مایو** به عنوان مشاور ویژه اتحادیه اروپا برای خلیج فارس منصوب شد. اتحادیه اروپا در حمایت از کنفرانس بغداد برای همکاری و مشارکت، که کشورهای منطقه را در آگوست 2021 و بار دیگر در دسامبر گرد هم آورد، نقش اساسی داشت.

نشست آتی ایران، شورای همکاری خلیج فارس و چین در پکن و سومین نشست کنفرانس بغداد در اواخر سال جاری، راه‌های چندجانبه ای را برای گفت و گو و همکاری فراهم می کند. قابل ذکر است که ایالات متحده در هر دو رویداد غایب خواهد بود و انزوا و کاهش نفوذ آن در منطقه را بیشتر برجسته می کند.

در حالی که ممکن است نفوذ ایالات متحده در منطقه در سال‌های اخیر کاهش یافته باشد، نمی توان نقش آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه نادیده گرفت یا این حال، پویایی‌های در حال تغییر و ظهور مراکز قدرت جایگزین، نیاز به تنظیم مجدد سیاست‌های ایالات متحده برای همسویی با تغییرات ژئوپلیتیک جدید در سراسر خاورمیانه دارد. با پذیرش نظم چند قطبی و تقویت توسعه اقتصادی، منطقه هدف خود را تضمین رفاه و ثبات خود است. واشنگتن باید به منطقه اجازه دهد تا این راه‌های دیپلماتیک را بیشتر مورد بررسی قرار دهد و مانع آنها نشود.



سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مهران حقیریان، مدیر ابتکارات منطقه‌ای در بنیاد بورس و بازر، یک اتاق فکر با تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی، توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی در خاورمیانه و آسیای مرکزی است. مهران در این نقش از پیشینه گسترده خود

در زمینه تحقیق در چارچوب های سیاسی و امنیتی منطقه استفاده می کند. او
کандیدای دکترا در دانشگاه قطر است که در آنجا بر ژئوپلیتیک منطقه خلیج
فارس تمرکز دارد و دارای مدرک کارشناسی ارشد در امور بین الملل از
دانشکده خدمات بین الملل دانشگاه آمریکایی در واشنگتن دی سی است. مهران
قبل از پیوستن به B&BF در مرکز علوم انسانی و اجتماعی ابن خلدون به
عنوان محقق و دستیار مدیر و در ابتکار آینده ایران شورای آتلانتیک به
عنوان دستیار پروژه کار می کرد.

.. با تقدیم احترامات «2023-06-17».